یادداشت روز

تقابل دو فرهنگ در سال ۹۵

سال ۹۵ چگونه سپری شد و چگونه سالی پیش روی ماست؟ هر کس با نگاه فردی یا اجتماعی، لابد پاسخی درخور تجربه خود به این پرسش می‌دهد. اما یک پاسخ را هم می‌توان لابه‌لای گفت‌وگوی صمیمانه راوی کتاب «وقتی مهتاب گم شـــد» (جانباز علی خوش‌لفظ) با رهبر انقلاب گرفت، آنجا که جانباز عزیز می‌گوید: «من بسیجی آقای (احمد) متوسلیان بودم در دزلی و درگیری‌های اول جنگ. می‌دانم که الان جاویدالاثر آقای متوسلیان اینجا بودند، یک نکته می‌گفتند؛ اینکه آقا! شما خیلی دارید درد می‌کشید، زجر می‌کشید؛ به هرحال این بحث اختلاس‌ها و حقوق‌های نجومی را می‌گویید، اینها گوش نمی‌دهند. یک چیزی بگویید که ما آرام بشویم؛ ما همچنان فدایی شما هستیم. دوست داریم شما بیشتر از این درد نکشید و آزار نبینید...».

بی‌راه نمی‌گوید. اما پاسخ مقتدای انقلاب شنیدنی است. «آرام باشید. این چیزهایی که شما می‌بینید، اینها حوادث طبیعی یک راه دشوار به سمت قله است؛ هیچ انتظار نباید داشت که اگر ما می‌خواهیم برویم به قله توچال یا قله دماوند، در راه چاله نباشد، سنگ نباشد، باد نباشد، دود نباشد، گاز نباشد؛ مگر می‌شود؟ اما داریم می‌رویم، عمده این است. اصلاً نگران نباشید؛ این حوادث وجود دارد؛ اگر این حوادث نبود باید تعجب می‌کردید. یک لشکر فرهنگی، یک جبهه فرهنگی، حمله کرده به انقلاب و به نظام جمهوری اسلامی؛ یک عده هم جانانه دارند از آن دفاع می‌کنند؛ همین کتاب‌ها، همین نوشته‌ها... اینها همه سینه سپر کردن است. تقریباً چهل سال از انقلاب گذشته، توقع بوده که دیگر اینها نباشند، اما شـــما می‌بینید دارد رویش پشت سر رویش جلو می‌آید. اینها شوخی است؟ (خوش‌لفظ: با نفس شما است آقا). نه نَفَس [ما نیست]، اراده الهی است؛ ما همه وسیله‌ایم؛ ما کسی [نیستیم]؛ بخصوص حالا بنده که هیچ ولی شماها چرا. ما کسی و چیزی نیستیم. اما می‌خواهم بگویم اینکه شما می‌گویید «آرامش، آرامش»، من آرامش دارم. من هیچ ناراحت [نیستم]. بعضی‌ها می‌آیند می‌گویند «ما دلمان به حالتان خون است»؛ می‌گویم بی‌خود! من راحتم، من دارم حرکت می‌کنم، من دارم حرکت را می‌بینم، برای من روشن است که دارد چه اتفاقی در کشور می‌افتد؛ بله البته، دشمنی هست، مخالفت هست، اگر نبود باید تعجب می‌کردیم، گروه‌هایی هستند «سازمان یافته»، برای ضربه زدن از روزنه فرهنگ... نگذارند این انقلاب حرکت بکند؛ انقلاب هم دارد حرکت می‌کند، سینه‌اش را سپر کرده؛ آمریکایی‌ها اقرار می‌کنند به شکست، صهیونیست‌ها اقرار می‌کنند به شکست...».

بی‌تردید ســـال ۱۳۹۵ سال پرفراز و نشیبی بود. یکی از حسرت‌های بزرگ این سال رو به پایان آن است که برخی مســـئولان ما به امید رونق و گشایش اقتصادی ناشی از توافق با آمریکا و غرب، دســـت روی دست گذاشتند و یک سال از عمر مفید مسئولیت را به کم‌کاری و بی‌عملی یا بدعملی گذراندند. ۱۴ ماه از شروع زمان اجرای تعهدات آمریکا و اروپا گذشت اما تعهدات اصلی غرب درباره لغو تحریم‌های بانکی و مالی روی کاغذ ماند. از لغو یکجای تحریم‌ها و درآمد جدید روزانه ۱۷۰ میلیون دلار و ســـرمایه‌گذاری‌های انبوه خارجی و حل همه مشکلات (از رکود و بیکاری تا آلودگی هوا و آب خوردن) به واسطه لغو تحریم‌ها در روز اجرای توافق و... خبری نشد و نزدیک‌ترین حامیان و مشاوران دولت، سربسته می‌گویند از نظر اقتصادی سال سخت‌تری در پیش است. دقیقاً در همین وضعیت که رکود و بیکاری و کمبود بودجه گریبان مردم و واحدهای تولیدی را می‌فشارد و دولت را در مضیقه قرار می‌دهد، متأسفانه ماجرای حقوق‌های نجومی مدیران اشرافی، نمکی بر زخم مردم بود. و بدتر از اصل ماجرای فیش‌های نجومی، دفاع شرم‌آوری است که برخی وکیل‌الدوله‌ها و حتی برخی مدیران ارشد نسبت به مدیران متخلف و ضرورت تداوم پرداخت این حقوق‌ها کردند. دفاع شرم‌آور برخی مدیرانِ ارشد از مدیرانی که حقوق‌های ۵۷ تا ۲۳۴ میلیونی می‌گرفتند- بلکه گماشته خود آنها بودند و بعضاً سالها حقوق و پاداش ۷۳۴ میلیونی گرفتند- در حالی بود که در همین دوره، مردم تحت فشار انواع مشکلات اقتصادی قرار داشتند و تنها وعده و پشت هم‌اندازی شنیدند و مدام به آینده حوالت داده شدند یا شاهد فرافکنی و شانه خالی کردن از زیر بار مسئولیت بودند.

بدین معنا سال ۹۵ سال اوج تقابل دو فرهنگ و روحیه بود. یکی همان روحیه اشرافی که حقوق و پاداش نجومی را حق مسلم خود می‌داند، حتی اگر مثلاً در مدیریت بانک تجارت و ملت و صادرات و رفاه کارگران و... چند هزار میلیارد تومان خسارت را متوجه بیت‌المال یا مردم سهامدار کرده باشد؛ و دیگری همان پرچم شرافت و ایثاری که از چهار راه اسلامبول تا حلب در اهتزاز است و ده‌ها میلیون دلباخته را شوریده و شیدای خود کرده است. قفقنوس‌های آتش‌نشان که در ماجرای تلخ پلاسکو جان‌فشانی کردند و به دل آتش زدند، از همان سرچشمه معرفتی سیراب شده بودند که شهدای رشید مدافع حرم در سوریه و عراق. گفت‌وگویی کوتاه میان دو آتش‌نشان، در فوران آتش و آوار ساختمان در گرفت که از نهایت شرافت و امانتداری حکایت می‌کرد. اولی گفت «علی نرو! گیر می‌افتی» اما دومی یک پاسخ بیشتر نداشت قبل از زدن به دل آتش: «نه! مال مردم است.» آری سال ۹۵ در کش‌وقوس میان دو منطق اشرافی- ایثارگر سپری شد. هر جا به منش تن‌آسانی و سهل‌اندیشی و عافیت‌طلبی و اشرافیت خو کردیم، خسارت دیدیم و هر جا با منطق ایثار و مجاهدت و ضرورت به جان خریدن سختی‌ها و هموار کردن مسیر به میدان آمدیم، پیروزی‌های بزرگ رقم خورد؛ چنان که با شکست جبهه آمریکایی در حلب، رسانه‌های غربی نوشتند کمر آمریکا و اسرائیل در حلب شکست. یا (قبیل امریکن اینترست) نوشتند «ایران در سال ۱۹۱۶ میلادی تبدیل به هفتمین قدرت بزرگ دنیا شد».

درست در روزگاری که برخی مدیران جفاکار و بدفهم می‌گفتند «نباید مقابل ابرقدرت‌های ایستاد، آن هم با شعارهایی که بعضاً تو خالی است»، «آمریکا ظرف ۵ دقیقه می‌تواند تمام توان دفاعی ما را نابود کند»، «بستن با کدخدا راحت‌تر است»، «اوباما را بسیار مودب یافتم»، «آمریکا قول داده و زیر قول خود نمی‌زند... نامه‌های آرامش‌بخش می‌گیریم»، «اگر توافق نکنیم جنگ می‌شود» و ...، در غرب خبر بزرگی بود؛ چنان بزرگ که جامعه آمریکا را به بهانه انتخابات دچار زلزله کرد. آتشی را که زمانی علیه ما بر می‌فروختند، حالا دامن خود آنها را گرفته بود. درست در زمانی که اوباما می‌گفت «بدون شلیک حتی یک گلوله توانستیم برنامه هسته‌ای ایران را مهار کنیم، هر چند که ۸ سال پیش کسی باور نمی‌کرد»، اوباما در ســـوریه تحقیر شد و جانشین او گفت «ما پول ساخت یک مدرسه را هم نداریم. پل‌های ما ویران شده‌اند. با پول جنگ در خاورمیانه می‌توانستیم دوبار آمریکا را بازسازی کنیم». کسانی در این سو امید داشتند آمریکا هوای آنها را داشته باشد، حال آن که آمریکا گرفتار بی‌سابقه‌ترین بحران‌ها از زمان جنگ جهانی دوم (۷۰ سال گذشته) بود و با بدهی ۲۱ هزار میلیارد دلاری و ۴۸ میلیون گرسنه و کارتن خواب دست و پنجه نرم می‌کرد.

شاید اگر روزی از «پســـاغرب» سخن گفته می‌شد، برخی روشـــنفکران با تعجب و سرزنش می‌نگریستند و تئوری «پایان تاریخ» فرانســـیس فوکوما مبنی بر آقایی آمریکا و غرب را به رخ ما می‌کشیدند. اما سیاستمداران درجه اول غرب در همین سال سپری شده رسماً از جهان «پساغرب» سخن گفتند. فدریکا موگرینی مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا در گفت‌وگو با روزنامه آلمانی «ولت» تأکید کرد «قدرت رهبری آمریکا در حال زوال است. قدرت آمریکا در حال کاهش است. من هرگز آمریکا را تا این حد قطبی شده ندیده بودم. آمریکا در درون منسجم نیست. بزرگترین دموکراسی دنیا، بی‌ثبات شده است». پس از او ولفگانگ ایشینگر رئیس کنفرانس امنیتی مونیخ در مصاحبه با روزنامه ایندیپندنت هشـــدار داد «جهان در حال عبور از غرب به عصر پساغرب است. کاهش نفوذ اروپا و آمریکا زمینه را برای کشورهای دیگر فراهم کرده است تا نظم جهانی جدیدی را شکل دهند. همه‌پرســـی خروج انگلیس از اتحادیه اروپا و انتخاب ترامپ، نهادهای جهانی همچون اتحادیه اروپا، سازمان ملل و ناتو را در وضعیت متزلزلی قرار داده است... دولت جدید آمریکا ممکن است به منزله کاتالیزور [سرعت دهنده فعل و انفعالات] در این روند عمل کند. فضای امنیتی جهان مسلماً بی‌ثبات‌تر از هر مقطع دیگر از زمان جنگ جهانی دوم تاکنون اســـت. احتمالاً ما در آستانه دوره عبور از غرب هستیم؛ دوره‌ای که در آن بازیگران غیر غربی، امور بین‌الملل را شکل می‌دهند. برخی از اساسی‌ترین ارکان غرب و نظم جهان لیبرال، تضعیف شده است. ناکامی سران غرب برای پاسخگویی به درگیری‌ها در سوریه و اوکراین، ضعف در مقابله با بحران‌های جهانی را آشکار کرد. این وضعیت، زمینه را برای پر کردن خلأ توسط کشورهایی مانند روسیه و ایران فراهم کرده است. متعاقب این سخنان بود که آقای ظریف برخلاف مشی برجام گفت «جهان وارد مرحله پساغربی شده است».

مقتدای انقلاب در اولین روز امسال و در حرم مطهر رضوی افق را می‌دیدند که فرمودند «شما وقتی در مقابل دشمن در حالی که می‌توانید ایستادگی کنید، عقب‌نشینی کردید، دشمن جلو می‌آید، دشمن متوقف نمی‌شود... دشمن می‌گوید یا تسلیم شوید یا فشار و تحریم ادامه پیدا می‌کند. این غلط و دروغ است... اما یک دو راهی دیگری وجود دارد؛ یا بایستی مشکلات تحریم را تحمل کنیم، یا ایستادگی کنیم به وسیله اقتصاد مقاومتی». در همین یک سالی که گذشت بدعهدی‌های دشمن حتی صدای مسئولان دولتی را درآورد تا آن جا که آقای روحانی همین اواخر، لغو تنها بخشی کوچک از تحریم‌ها را مشروط به این کرد که «تازه اگر طرف مقابل منصفانه عمل کند، تازه اگر صادقانه عمل بکند، تازه اگر به عهدش پایبند باشد»! در همین دوره مقامات غربی که به ایران سفر کردند، پس از بازگشت، از خلیج عربی به جای خلیج فارس گفتند و قطعنامه حقوق بشری علیه کشورمان تدارک کردند و یا مانند وزیر خارجه فرانسه گستاخی کردند! این روند، عملی شدن همان پیش‌بینی مهرماه ۱۳۹۲ وبسایت رادیو فرانسه بود که نوشت «ارزیابی غرب از وضعیت کنونی دولت روحانی، تعامل با فروشنده بدهکار و مشتاقی است که خود را ناگزیر از فروش حقوق ملی می‌بیند. بر پایه این جمع‌بندی اگر خریدار صبور باشد، شرایط فروشنده را دشوارتر می‌کند و در همان حال قیمت فروش را کمتر خواهد کرد».

رهبر معظم انقلاب ۱۶ اسفند امسال در دیدار دست‌اندرکاران راهیان نور با لحنی مشفقانه و درس‌آموز همان منطق تبیین شده در آغاز سال را بازگو کردند و گفتند «اشتباه بزرگ بعضی از ماها در چالش اقتصادی بزرگی که امروز کشـــور دچار آن است - که ما امروز دچار چالش اقتصادی هستیم- این بود که در زمینه اقتصادی اظهار ضعف شد؛ دشمن دید که اینجا جایی است که می‌شود فشار آورد، فشار را زیاد کردند؛ [طوری که] از یک نفر [وزیر خارجه فرانسه] در مصاحبه بپرسند که این رزمایشی که شـــما دارید فلان جا می‌کنید و در عین حال با ایرانی‌ها مذاکره می‌کنید. [یک وقت] ایرانی‌ها از این رزمایش ناراحت نشوند که به این مذاکرات اقتصادی ضربه بخورد، او رویش بشود و خجالت نکشد از اینکه بگوید «نه آقا، اینها تاثیری ندارد؛ ایرانی‌ها این قدر احتیاج به این مذاکرات دارند که امثال این رزمایش ضرری به مذاکره اقتصادی ما نمی‌زند»! این اظهار ضعف در مقابل دشمن نباید بشود. خب [در زمان جنگ]، دشمن احساس ضعف کرد در ما، لذا حمله کرد.»

راه کدام است؟ کمر همت بستن و راه‌های ناهموار را هموار کردن و به خط مشکلات و دشمنی‌ها زدن. گرفتاری‌های ما از محاصره و تحریم‌ها و سیم‌خاردارهای دشمن نیست؛ به تعبیر شهید چیت‌سازیان (فرمانده اطلاعات عملیات لشکر انصارالحسین(ع) همدان) «اگر می‌خواهیم از سیم‌خاردار دشمن عبور کنیم، اول باید از سیم خاردار نفس عبور کنیم». زدن به خط مشکلات یا تهدیدها، به مسئولانی خط‌شکن و چابک نیاز دارد که از اسارت چرب و شیرین دنیا و سفره‌های اشرافی گذشته باشند؛ «لاتجتمع عزیمةً و ولیمةً. عزم و اراده جهاد با روحیه سورچرانی جمع نمی‌شود». اگر کار را به دست خط‌شکنان سپردیم، بی‌تردید با پیروزی‌های بزرگ روبرو خواهیم شد.

***

اکنون بهاری دیگر در راه است، برای روییدن و بالیدن دوباره. آنهایی در این مسیر به بار می‌نشینند و جان و روحشان بهاری می‌شود که بهار را تدارک کرده باشند و چشم انتظار راستین «بهار جان‌ها و طراوت روزگاران» حضرت بقیةُالله الاعظم(عج) باشند.

در برگرفته خلوت دل را غبارها — ای علت شکفتن گل در بهارها
با چلچراغ و آینه و آب، سالهاست — صف بسته‌اند در طلبت بی‌قرارها

...بگذار فصل‌الخطاب این نوشته، نجوای عاشقانه حضرت روح‌الله(ره) باشد که نوشت:

بهـــار آمد که غـــم از جان برد، غم در دل افزون شـــد — چه گویم کز غم آن ســـرو خندان، جان و دل خون شد
گـــروه عاشـــقان بســـتند محمل‌هـــا و وارســـتند — تو دانی حال مـــا وامانده‌گان در این میان چون شـــد...

محمد ایمانی

در مصاحبه با المیادین

ظریف: سخت‌ترین تحریم‌ها علیه ایران در دولت اوباما اعمال شده است

وزیر خارجه کشورمان در مصاحبه با المیادین گفت که اوباما ســـخت‌ترین تحریم‌هـــا را علیه ایران به کار گرفت و روی آوردن به مذاکره با ایران را درک آمریکا از بی‌اثر بودن تحریم و فشـــار دانست.

«محمد جواد ظریف» وزیر خارجه ایران در گفت‌وگو با شـــبکه المیادیـــن، در مورد محورهای مختلفی به اظهار نظر پرداخت.

به گـــزارش فارس، خبرنگار المیادین در ابتدا ضمن اشـــاره به روی کار آمدن «دونالد ترامپ» و افزایش تحرکات اسرائیل و عربستان برای مقابله با نفوذ ایران پرسید که آیا احتمال اقدام نظامی علیه ایران می‌رود؟

وزیر خارجه ایران در پاســـخ تأکید کرد: «در حقیقـــت چنین اعتقادی نـــدارم، ایران از چهـــار دهه پیش با ایـــن گونه تهدیدات مواجه اســـت و برخـــی در منطقه و خارج از آن راه‌های مختلفی را برای فشار علیه ایران به کار گرفته‌اند. همچنین می‌دانید که ایران با هشـــت سال جنگ مواجه بود؛ به طوریکه تمامی جهان از صدام حسین متجاوز حمایت می‌کرد و همســـایگان ما در خلیج‌فارس در کنار قدرت‌های جهانی از صدام حمایت مالی و تســـلیحاتی کردند و به او ســـلاح شیمیایی دادند اما او نتوانست پیروز شود و ملت ایران را به زانو در آورد.»

دکتر ظریف افزود: «در طول این جنگ و پس‌از آن تا کنون آمریکا، ایران را از دست‌یابی به راه‌های دفاع از خود محروم کرد اما مردم ایران با آن مقابله کرده و به توســـعه راه‌های دفاع از خود اقدام کردند. آمریکا سال‌هاست کـــه تحریم‌هایی علیه ایران وضع کرده و نام آن را تحریم‌های محدودکننده در سطح بالا نامیده است. ســـخنانی که ترامپ می‌گوید در حالی اســـت که پیـــش از او دولت اوباما ســـخت‌ترین تحریم‌هـــا را در تاریخ آمریکا علیه ایران به کار گرفت اما هیچ کدام از آنها موفقیت آمیز نبود.»

ظریف در ادامه دلیل روی آوردن اوباما به مذاکره با ایران را درک آمریکا از بی‌اثر بودن تحریم و فشار دانست.

وزیر خارجه ایران همچنین به کشورهای منطقه توصیه کرد که هیچ زمانی حتی فکر این را هم در ســـر نداشته باشند که کشوری خارج از منطقه آمده و بر ایران فشار بیاورد.

وزیر خارجه ایران در پاســـخ به اینکه آیا ترامپ توافق هسته‌ای با ایران را نقض می‌کند، تأکید کرد که دیر یا زود دولت جدید آمریکا نیز یقیـــن خواهد کرد کـــه بهترین راه این است که توافق را اجرا کند. همچنین وی در ادامه این نکته را نیز بیان کرد که ایران خود را برای هر احتمالی آماده کرده اســـت و اگر توافق کارایی خود را از دست بدهد ایران نیز این امکان را دارد که برنامه خود را به سرعت به راه بیاندازد.

ظریف در پاســـخ به وجود ارتباط میان دولت ایران و آمریکا، این موضوع را رد و تأکید کرد که همه ارتباطات در چارچوب نظارت بر انجام صحیح توافق هسته‌ای و کمیته مشترک برجام است.

خبرنگار المیادین در ادامه به دکتر ظریف گفت که شما منافع استراتژیک برخی کشورها را در یمن، سوریه و عراق هدف قرار داده‌اید.

وزیر خارجه ایران در پاسخ گفت: در واقع ما اعتقاد داریم که این کشـــورها تصمیمات غلطی گرفته‌اند و ما اشتباهی نکرده‌ایم. این ما نبودیم که از صدام حسین در جنگ حمایت کردیم و این اشتباه ما نیست که بدون دلیل یمن برای دو سال است که بمباران می‌شود و اینکه زیرســـاخت‌های یمن نابود می‌شود کار ما نیست. اینکه آنها از جنبش طالبان در افغانستان یا از داعش و جبهۀ النصره در سوریه و عراق حمایت می‌کنند از اشتباهات ما نیست.

وزیـــر خارجه ایـــران ضمن اشـــاره به تلاش‌های ایران از سه سال پیش برای پایان دادن به بحران سوریه ادامه داد، ایران و سوریه متحد و دوســـت بوده و ایران و روســـیه نیز همسایه مهمی برای یکدیگر به شمار می‌روند که در مواقع سخت کنار یکدیگر ایستاده‌اند. ظریف بیان داشـــت که بین ایران و روسیه و سوریه در برخی بندهای معین اختلاف نظر بـــوده، ولی هیچگونـــه اختلافی در خصوص مسائل مهم وجود ندارد.

وزیر خارجه ایران در پاسخ به این سؤال خبرنگار المیادین که در ســـفر خود به قطر حامل پیام وساطت برای وضعیت بحرین به ویژه وضعیت شیخ عیسی قاسم بوده، اظهار داشت که این ســـفر به منظور بررسی روند روابط دوجانبه و وضعیت منطقه بوده ولی با ایـــن حال در دیدار با امیر قطر نظر ایران در خصـــوص رفتار دولت بحرین را منتقل کرده و آن اینکـــه مقابله با شـــخصیت‌های دینی مورد احترام بحرین، امنیت و ثبات منطقه را متزلزل می‌کند.

وزیر خارجه ایران در پایان در پاســـخ به این پرسش که آیا ترکیه همسایه قدر نشناسی است، خاطر نشان کرد: «فکر میکنم اظهارات ترکیه مبنی بر اینکه ایران حامی سیاست فرقه گرایی است، به خاطر این است که فراموش کرده، دولت ایران که نمی‌توان آن را فرقه‌ای نامید، در طول شـــب بیدار بود تا هیچ دولت غیر دموکراتیکی در منطقه وجود نداشـــته باشد؛ این مسئله چه در جریان کودتای ترکیه باشد یا بعد از آن.»

فایننشال تایمز:

بسیاری از سرمایه‌گذاران به دلیل تحریم‌های آمریکا از بازار ایران دور مانده‌اند

یک روزنامه انگلیسی در گزارشی نوشت: بسیاری از سرمایه‌گذاران به دلیل تحریم‌های آمریکا از بازار ایران دور مانده‌اند.

روزنامه انگلیسی «فایننشال تایمز» در مطلبی نوشت: ساعاتی بعد از لغو تحریم‌ها «حســـن روحانی» رئیس جمهور ایران در مجلس این کشـــور گفت که سیاست اصلی دولت بعد از توافق هسته‌ای جذب ســـرمایه‌های خارجی، توســـعه صادرات غیرنفتی، استفاده بهینه از ارزهای خارجی است و رشد اقتصاد پایدار نیاز به سرمایه گذاری سنگین خارجی دارد.

فایننشـــال تایمز با اشاره به سرمایه گـــذاری و تلاش ایـــران جهت ارتقاء زیر ســـاخت‌های انرژی و عزم شـــرکت‌های اروپایی و آســـیایی برای ســـهم بردن در بزرگترین بازار خاورمیانه با جمعیتی جوان که ۶۰ درصد آن‌ها زیر سی سال هستند، نوشت: ســـرمایه گذاری آمریکایی‌ها در ایران تقریبا غیرممکن شده است.

بر این اساس، آمریکا براساس برجام تحریم‌های ثانویه که بطور کلی شامل افراد و نهادهای غیرآمریکایی می‌شد را رفع کرد اما بیشتر تحریم‌های یک جانبه واشنگتن بابت فعالیت با ایران کماکان پا برجاست.

بر اساس این گزارش، به غیراز چندین استثنا هیچ نشانه‌ای وجود ندارد که آمریکا تحریم‌هـــای باقی مانـــده تنبیهی بر این کشور را که از سال ۷۹ میلادی و بعد از پیروزی انقلاب بابت [اتهام واهی] حمایت ایران از تروریســـم و توسعه موشک‌های بالستیک تحمیل کرده را رفع نماید.

این نشریه انگلیسی در ادامه نوشت: ســـرمایه گذاری در ایران شاید افزایش یابد اما راه طولانی تا عادی شـــدن روابط تجاری و دیپلماتیک این کشـــور با غرب باقی مانده است.

بـــه گزارش فارس، فایننشـــال تایمز تاکید کرد: بســـیاری از سرمایه‌گذاران به دلیـــل تحریم‌های آمریکا از بـــازار ایران دور مانده‌اند.

گفت و شنود

پیاده‌رو

گفت: سال گذشته سخنگوی دولت اعلام کرد که سال ۹۵ سال جهش حقوق‌هاست. ولی از این وعده خبری نشد!

گفتم: پس حقوق‌های نجومی چی بود؟ جهش از این بالاتر که برخی از مدیران دولتی حقوق‌هـــای چند ده میلیونی و پاداش‌های صدمیلیونی گرفتند؟!

گفت: قرار بود برجام هم در ســـال ۹۵ گشـــایش اقتصادی ایجاد کند، تحریم‌ها را لغو کند، ســـرمایه‌های خارجی را جذب کند، روابط تجاری و بانکی را برقرار کند و... اما از آن همه وعده هم خبری نشد!

گفتم: اما حالا صورت مسئله را عوض کرده‌اند و می‌گویند برجام قرار نبود گشایش اقتصادی بیاورد و یا اشتغال ایجاد کند و...

گفت: پس قرار بود چه بکند؟! خودشان آنهمه از برجام تعریف و تمجید کرده و آن را بزرگترین دســـتاورد تاریخ، معجزه قرن، آفتاب تابان و... نامیده بودند!

گفتم: چه عرض کنم؟! شخصی در پیاده‌رو زیر نور چراغ به دقت در حال جست‌وجو بود. پرسیدند دنبال چه می‌گردی؟ گفت: سویچ ماشینم را توی خانه گم کرده‌ام ولی چون آنجا تاریک است، اینجا دنبالش می‌گردم!

دبیر شورای عالی امنیت ملی:

آل سلمان فعال‌ترین کارخانه تولید تروریست در جهان را ایجاد کرده و راهبری می‌کند

علی شـــمخانی گفت: علیرغم آگاهـــی و انزجار افکار عمومی جهانی نسبت به ماهیت رژیم آل سلمان و نقش آن در ایجاد و توسعه تروریسم تکفیری در جهان، دولت جدید آمریکا نه تنها سیاستهای دولت سعودی را نفی نمی‌کند بلکه از آن حمایت نیز می‌کند.

علی شمخانی نماینده مقام معظم رهبری و دبیر شـــورای عالـــی امنیت ملی گفت: دولت آمریـــکا و حکام آل ســـعود نه تنها اقدامی در مســـیر مقابله با تروریسم انجام نمی‌دهند بلکه با اتخاذ رویکردی حمایتی، زمینه توسعه فعالیت آنان را نیز فراهم می‌کنند.

شمخانی با اشاره به اقدامات و اظهـــارات تبلیغاتـــی و فاقد ارزش برخی مقامـــات تازه‌کار و بی‌تجربه ســـعودی که با فرار بـــه جلو به دنبال شـــانه خالی کردن از مسئولیت حمایتهای گســـترده این رژیم از تروریسم تکفیری هستند عنوان داشت: آل ســـلمان فعالترین کارخانه تولید تروریست در جهان را در کشور عربســـتان ایجاد کرده و راهبری می‌کند.

وی دلارهای نفتی سعودی را پشـــتیبانی کننده آموزه‌های مبتنـــی بر نفرت، خشـــونت و جنایـــت عنوان کـــرد و افزود: انسانهای ســـرخورده و تحقیر شده مخاطب اصلی ایدئولوژی وهابیـــت هســـتند و در نهایت با تبدیل شـــدن به تروریست تکفیری با برند سعودی به جهان صادر می‌شوند.

به گزارش تسنیم، دریابان شمخانی ورود هرگونه نیروی نظامی خارجی به سوریه بدون اجازه دولت این کشـــور را نماد اشـــغالگری و معادل حمایت از عناصر تروریست توصیف کرد و اظهار داشـــت: دســـت خالی معارضه در عرصه سیاســـی و میدانی و عدم مقبولیت مردمی آنان موجب شـــده تـــا رهبران واقعـــی و حامیان اصلی آنان به رویکرد دخالت مستقیم و حضور در میدان نبرد روی آورند.

خبر ویژه

تزریق پول برای ایجاد اشتغال یا مصارف انتخاباتی؟!

کارشناســـان می‌گویند دولت به صرف برداشت پول از صندوق توسعه و تزریق پول نمی‌تواند اشتغال ایجاد کند.

روزنامه اعتماد در این زمینه نوشت: بررسی‌های کارشناسی صورت گرفته روی لایحه جدید برداشـــت از صندوق توسعه ملی برای اشتغالزایی روستایی نشان از وجود کاستی‌ها و خلأهای بسیاری دارد.

مجتبی پالوچ، معاون موسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی، اقتصاد کشاورزی و توسعه روستایی کشور این طرح را نیازمند کار مطالعاتی و کارشناسی دقیق می‌داند و تاکید می‌کند که در بازه‌زمانی یکساله نمی‌شود آن را اجرایی کرد.

به اعتقاد وی، طرح‌های شکست خورده قبلی، شاهدی بر این مدعا هستند.

برخی از مراکز پژوهشی معتبر با انتقاد از این لایحه، آن را فاقد معیارهای لازم برای قانونی شدن دانسته‌اند. انجمن اقتصاددانان ایران در بیانیه‌ای خطاب به رئیس‌جمهور و رئیس مجلس شورای اسلامی، اختصاص ۱/۵ میلیارد دلار از صندوق توسعه ملی برای اشتغالزایی در روستاها را شتابزده توصیف کرده و تاکید می‌کند که اختصاص چنین بودجه‌هایی یادآور وام‌های خود اشتغالی و بنگاه‌های زودبازده است که خاطره ناخوشایندی را در اذهان زنده می‌کند.

همچنین مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، با اعلام ۱۵ ضعف و چالش اصلی لایحه اعطای تسهیلات ۱/۵ میلیارد دلاری از محل منابع صندوق توسعه برای اشتغال روستایی، اجرای آن را بی‌فایده دانسته و بر همین اساس، پیشنهاد رد آن را داده است.

با توجه به مطالب مطرح شده وتجربیات شکست خورده قبلی و همچنین شایبه انتخاباتی بودن این لایحه، می‌توان نتیجه گرفت که تزریق پول و اعتبار به روستاها، مناطق عشایری و شهرهای کوچک، به تنهایی نمی‌تواند مفید باشد؛ بلکه برنامه‌ریزی دقیق، توجه به زنجیره کامل ایجاد کسب و کار، ارایه راهکار، مشارکت کارشناسان و از همه مهم‌تر، ایجاد زیرساخت‌های اقتصادی -اجتماعی کسب و کار روستایی مواردی هستند که موفقیت یک طرح را تضمین می‌کنند.

تصویب و اجرای شـــتابزده این لایحه در ماه‌هـــای انتهایی خدمتگزاری دولت محترم، نه تنها تاثیری در بهبود فضای کسب و کار و اشتغال روستاییان ندارد، بلکه باعث تشـــدید مشکلات اقتصادی و اجتماعی روستاییان و عشایر شده و باتعطیلی بسیاری از بنگاه‌های راه‌اندازی شده به کمک تزریق این پول و بدهکارتر شـــدن روســـتاییان و عشایر به نظام بانکی، نتایج شکست خورده مشابهی برای این لایحه متصور است.

مجبورند... می‌فهمی؟!

چند روزی اســـت رســـانه‌های زنجیره‌ای اصلاح‌طلب با آب و تاب تمام تعریف می‌کنند که بله چه نشســـته‌اید که جناب حســـن روحانی کاندیدای واحد اصلاح‌طلبان برای انتخاب ۹۶ اســـت. اما ســـؤال اصلی این است که آیا اصلاح‌طلبان چاره‌ای هم جز حمایت از روحانی در رقابت‌های پیش‌رو داشتند؟

روزنامه وطن امروز در یادداشتی نوشت: جریان اصلاح‌طلب که بعد از چرخش ایدئولوژیک دهه ۷۰ و رسیدن به رادیکالیسم حاد چند سالی است به مرز پراگماتیسم اپورتونیستی رسیده‌اند و دیگر خودشان هم می‌دانند که مهم‌ترین اصل آنها بی‌اصلی و اصالت ماندن در قدرت است، حالا حداقل قبل از برگزاری مراســـم جشـــن و پایکوبی حل معمای چگونگی ورود به انتخابات ۹۶، در جمع‌های محفلی خودشـــان به این سوال جواب بدهند که عایدی ۴ سال حمایت از روحانی چه بوده است؟!

اصلاح‌طلبان اگرچه امروز شریک و موتلف سیاسی روحانی به حساب می‌آیند و در فرآیند ۴ ساله دولت، آنها هم صاحب منصب شدند و هم به بازسازی سیاسی خود پرداختند و باید مسئولیت بخش زیادی از وضعیت موجود را بپذیرند اما هوش سیاسی هم این را حکم می‌کند که حمایت از این مسیر ناکارآمد ۴ ساله که به لحاظ اقتصادی نابسامان است و هم در حوزه فساد رکوردشکن بوده و حتی در آزادی بیان هم نمره مردودی می‌گیرد، به معنای تایید ناکارآمدی است و هیچ‌کس این را از آنها نمی‌پذیرد، مگر آنکه آنها همچنان پایبند به این باشـــند که توسعه سیاسی به معنای ماندن در قدرت است و ماندن در قدرت به واسطه توجیه ناکارآمدی حاصل می‌شود این جریان حتی به هشدارهای همصنفی‌های خودش نیز بی‌توجه است.

چنانکه محمدرضا تاجیک از پایگاه نظری اصلاح‌طلبان هم امروز وضعیت روحانی را مناســـب نمی‌داند و می‌گوید «اگر دولت آقای روحانی صدای پای آینده را نشـــنود تا قبل از انتخابات ریاست جمهوری توسط مخالفان چپ و راست می‌شود. اگر دولت آقای روحانی تمایل دارد دولت ۴ ساله‌اش به ۸ سال ارتقـــا پیدا کند باید در طول آینده نمایش کارآمدی و توانمندی از خود بروز بدهد و به نیازهای فوری و ملموس مردم پاسخ مناسب بدهد.»

واقعیتی که وجود دارد و خود اصلاح‌طلبان هم خوب می‌دانند این است که روحانی خیالش جمع اســـت که این جریان به دلیل خطای هولناک سال ۸۸ و شورش علیه جمهوریت نظام اساسا در نقطه‌ای قرار ندارند که بخواهند برای روحانی تکلیفی تعیین کنند یا امتیازی بگیرند. روحانی می‌داند حکایت اصلاح‌طلبان حکایت فردی اســـت که از او ســـوال کردند: اگر در دریای مواج کوسه دنبالت کرد چه می‌کنی؟ گفت بالای درخت می‌روم. گفتند آخر وسط دریا درختی در کار نیســـت! گفت مجبورم می‌فهمی؟ روحانی خوب می‌داند که آن کوســـه عملکـــرد خطرناک جریان اصلاح‌طلب در فتنه ۸۸ اســـت، از همین رو است که حتی در آن جلسه ۸۰ نفره هم دوست دارد از به اصطلاح موفقیت‌های اقتصادی دولت بگوید. روحانی ترجیح می‌دهد به جای فکر کردن به اصلاح‌طلبان، کار نکرده در حوزه اقتصاد در ۴ سال گذشته را با آمار دادن پر کند، حتی حاضر اســـت با اعتماد به نفس بســـیار بالا در حالی که رکود و بیکاری به عنوان ۲ سم کنونی فضای اقتصادی با گوشت و پوست و استخوان مردم لمس می‌شود از رشد اقتصادی بالای ۱۱ درصد بگوید و این وسط ابایی هم ندارد که توضیح دهد چرا در آســـتانه انتخابات، ســـال پایه از ۸۳ به ۹۰ تغییر می‌کند و چرا این تغییر در سال ۹۴ انجام نشده است؟ چرا معاون بانک مرکزی در آخرین روزهای اسفند ۹۵ نرخ رشد اقتصادی سال ۹۴ را که جزو اســـرار مگوی دولت بوده است افشا می‌کند و اعتراف می‌کند نرخ رشد منفی ۱/۶ درصد بوده اســـت که بدون احتساب نفت به منفی ۳/۱ درصد می‌رسد؟ چرا این آمار پیش‌تر توسط برخی مسئولان دولتی بین ۰/۷ تا یک درصد اعلام شده بود؟ چه نیازی به اعلام و ساخت آمارها وجود دارد؟

دولت جناب روحانی و اصلاح‌طلبان از جنبه‌های مختلفی با هم اختلاف دارند اما به نظر می‌رسد در ۲ موردی که ذکر شده هر دو مجبورند به بالای یـــک درخت واهی و خیالـــی بروند ی